



۲۰۲۱/۱۰/۱۹

جلیل غنی هروی

## ضرورت یاد دهانی از موازین و اصول آزادی بیان

در این اواخر باز هم با گرم شدن بازار سیاست ناشی از دیگر گونی های اخیر در افغانستان، مقابله ها و تبادل نظریات گرم و آتشین، تحریک و تشویق تفاوت های گوناگون موجود در افغانستان به استناد درک نا بجا از حق آزادی بیان و فکر، دو رکن اساسی و حق طبیعی و مدنی انسان، چنان تازه گردیده که تو گوئی یگانه مشکل و معضل حیاتی باقی مانده ی امروز در این کشور ویران از جنگ های بیش از چهل سال اخیر، همین مساله است که با حل آن بر مشکلات افغانستان مهر تمت بالخیر زده می شود و دیگر این مملکت روی فقر و جنگ و خشونت و بغاوت و کشمکش های متنوع و اختلافات لا ینحل سابقه را هرگز نخواهد دید.

وقتی به نشرات بیرون مرزی، فیسبوک ها، توییت ها، وب سایت ها، نشرات تصویری و سایر نشرات مربوط به افغانها نظر انداخته می شود دیده می شود که این بازار آنقدر گرم است که چهل سال قبل بود. نتایج این گرمی بازار پرچون فروشی های نظریات تنفیتی و شر اندازی توام با اهانت ها و تحقیر ها و حملات و تجاوز بر حریم شخصی، ملیت ها، جنسیت ها، باور های عقیدتی، فرهنگ های که از غنایم و ارزش های اخلاقی و فرهنگی جامعه ی کثیر النژاد افغانستان است، افغانستان و مردم این سر زمین نفرین شده را به جای کشانید که امروز بیش از مناصفه ی غذای برای خوردن دارد، ربع نفوس در تگدی در داخل کشور، ربع دیگر با قبول بی رحمی ها، تحقیر ها، ذلت ها و رنج سفر های بی هدف و نا فرجام در سر تا سر جهان سرگردان اند و کمتر کشوری دیده می شود که از این آوار گان استقبال و به آنها روی خوش نشان دهد. اینست تصویر تراژیک و غم انگیز و آینده ی ملتی که از همه افتخارات تاریخی، فرهنگی، اخلاقی، و عزت و احترام برخوردار بود و همین جنگ های تحمیلی و نیابتی و تحریک اختلافات و اهانت ها به نام قوم، مذهب، نژاد، سمت و منطقه و زبان و فرهنگ وووو... از جانب منفعت جوین داخلی و بیغم باش های خارجی بود که این ملت را به روز و روزگار و مصیبت های امروزی کشانید.

**برادر و خواهر محترم و مهر بان من!**

فقط برای لحظاتی هم که شده خود و یا فرزندان خود را به جای آن یتیم بی سرپرست و یا آن پدر و مادر محتاج و مجبور قرار بده که برای پیدا کردن لقمه نانی به مادر بیوه و خواهر کوچکش دست به تگدی زده و پشت هر شیشه ی موتر آغا زاده در خواست چند افغانی برای خرید نان خشکی دراز میکند، بجای مادری قرار بده که برای تهیه ی لقمه نانی به فرزندان یتیمش که در نتیجه ی همین جنگ ها کشته شده برای جلب توجه عابریں در وسط سرک گل آلود نشسته و دست تگدی بسوی تو دراز می کند، بجای آن استاد دانشگاه قرار بده که از بیچارگی با دیپلوم دوکتورا کچالو فروشی میکند. یاد آوری از این تراژیدی های انسانی در این وطن برای اینست که به نام انسانیت، اسلامیت، شرافت، و هر نام دیگری که به آن می گذاری، تو قلم به دست پر توان و با ظرفیت، و تو گرداننده ی نشرات، شامل همه انواع آن، از نوشتن و چاپ چنین اتهامات، تحریک ها، پکه زدن های آتش نفاق و به هم اندازی، اهانت به شخصیت، جنسیت، قومیت، نژاد، و منطقه و سمت و فرهنگ و باور های دینی

و مذهبی دست نگهدار. بس است دیگر خونریزی و نفاق افگنی لطفاً قبل از آنکه قلم بر میداری و می خواهی متنی به نگاری و یا تو جناب گرداننده یک نشریه، وقتی مطلبی را برای نشر انتخاب میکنی نخست به خود زحمت ده و آنرا مرور کن تا عاری از اینگونه بی عفتی های قلم و تحقیر ها و دشنام ها و تجاوز باشد تا هم اصول اخلاقی و نشراتی خود را رعایت کرده باشی و هم احترام به انسان و انسانیت کرده باشی. شاید کسانی زیادی متهم به خیانت و یا هر جرم دیگری که می پنداری باشند، که یقیناً هستند، و این وظیفه و وجیبه ی نویسندگان و نشرات آزاد است که در پهلوی روشننگری به حیث بخشی از کار ارزشمند شان، چنین افراد و سازمانهای از هر قبیل را معرفی دارند و این هم یک اصل معتبر و قانونی و حقوقی است که هر کس حق دارد آزادانه نظرش را به نگارد ولی این حق از خود موازین، مقررات، محدودیت ها و اصولی و هم دارد که بر مبنای آن باید معرفی گردند. در اصول مطبوعاتی، یک اصل عمده و مهم حکم فرما است و آن این که خبرنگار و گزارشگر قاضی نیست و نباید جانب دار باشد و یا بر مسند قضاوت به نشیند بلکه وظیفه و مکلفیت او گفتن حقایق است و قضاوت از خوانندگان و بینندگان. هر ناهنجاری و نا به سامانی و کمی و کاستی، و یا هم اعمال حسنه را می توان در قالبی مطرح نمود بدون اینکه توهین و تحقیر و تجاوز و دشنام در آن به کار برده شده باشد در غیر آن چنان خبر و یا گزارش و یا نگارشی دشنام نامه است نه روشننگری و افشاگری مبتنی بر حقایق.

من نتیجه ی تحقیق از منابع مختلف را در رابطه با پیشینه ی آزادی بیان و فکر و اصول و موازین آن در اثری که به نام «ژورنالیزم دوست یا دشمن مردم» نگاشته ام به تفصیل مورد بحث قرار دادم که خلاصه و نکات مهم آنرا در اینجا جهت استفاده ی نویسندگان و ناشرین داخلی و خارجی افغانها می گذارم که امید است مورد استفاده قرار گیرد و کمکی کرده بتواند در راه نگارش و نشرات و فارغ از بی توجهی ها در مواردی که از آن در سطور بالا یاد آوری گردید.

در اصول و موازین آزادی بیان، البته همواره آزادی بیان با آزادی فکر توأم است زیرا بدون تفکر بیانی وجود ندارد و انسان اول فکر میکند و بعد این فکر خود را بیان می دارد، و بنا بران در این بخش بیشتر بر آزادی بیان تمرکز می شود. مقوله ی معروفی است که می گوید: «صد بار بیندیش یکبار بینداز» موضوع دیگری که همیشه در تمام قوانین در نظر بوده آزادی های نسبی برای مردم یک کشور بوده و هیچ کشوری در جهان قانونمند وجود ندارد که آزادی مطلق را به مردمش اعطا کند که در آن صورت دولت ها از حقوق آنهایی که بر آنها تجاوز می شود، دفاع کرده نمی توانند و روی همین ملحوظ و اصل است که در آزادی بیان نیز، مثل هر آزادی دیگر، محدودیت های در هر کشور با در نظر داشت ارزش های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی وضع شده است.

مفهوم آزادی بیان برای اولین بار در لایحه ی حقوق مدنی انگلستان در سال ۱۸۶۰ در سند "آزادی بیان در پارلمان" و سند "حقوق مدنی اتباع و باشنده گان (دیوید سمیت، تاریخ آزادی بیان و روزنامهء گاردین برتانیه ۱۹۴۸)، و در جریان انقلاب فرانسه در سال ۱۸۶۰ مسجل شد و بطور اخص آزادی بیان را حق انفکاک نا پذیر انسان تایید کرد. این اعلامیه، آزادی بیان و عقیده را در ماده ی یازدهم چنین قید می کند:

" مفاهمه و مکالمه ی آزاد مفکوره ها و نظریات یکی از با ارزش ترین حقوق انسان است. هر تبعه می تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید ولی باید مسؤول سوء استفاده از این آزادی، آن طوریکه در قوانین تعریف و تصریح میگردد، باشد"

آزادی بیان در ماده ی نهم اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که در دهم دسمبر ۱۹۴۸ در ملل متحد به تصویب رسید، و همچنان در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تضمین گردیده، چنین حکم می کند:

" هر کس حق ابراز آزادانه ی نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا بران هر کس حق آزادی بیان را دارد این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و نشر هر نوع اطلاعات و نظریات بدون در نظر داشت مرزها، شفاهی،

تحریری و یا چاپی، بشکل آرت (هنر) و یا از طریق هر رسانه ی دیگری می باشد. تعمیم این حقوق مستلزم وجایب و مسؤولیت های خاص است و بنا بران در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت ها برای احترام به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه ی عامه خواهد بود»

علاوه بر آن در تمام کنوانسیون های بین المللی درمورد آزادی بیان و فکر حتی قبل از آنکه اعلامیه ی جهانی حقوق بشر در ماده نهم در دسمبر ۱۹۴۸ تصویب شود که از آن ۷۳ سال می گذرد، سایر میثاق های بین المللی و کنوانسیون ها نیز بر چنین حق انفکاک ناپذیر انسانها تاکید داشته اند و آنچه در میان تمام آنها مشترک است، عنصری است که حین اجرای حق آزادی بیان باید حتماً به آنها توجه داشت:

### موارد محدودیت بر آزادی بیان

چنین محدودیت ها مبتنی بر موازین اخلاقی، قانونی، عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه است، مختصر بر مواردی اشاره می شود که شامل این محدودیت ها است:

هر کشور و ملت نظر به ارزش های عقیدتی و مذهبی و فرهنگی و مطابق به قوانین و مقررات حاکمه، محدودیت های را بر آزادی بیان و عقیده وضع میکند.

- ممانعت از تعرض به حقوق دیگران و توهین به حیثیت و کرامت انسانی
- ممانعت از تبلیغ علیه امنیت و نظم عمومی، امور ملی، صحت و اخلاق عمومی،
- ممانعت از تبلیغ برای جنگ، تبلیغ برای نفرت از هر نوع،
- ممانعت از تبلیغ برای تبعیض بر اساس رنگ، نژاد، مذهب، زبان منشأ ملی و...،
- (تشهیر) بد گوئی، تهمت و افتراء، تهمت زدن، به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن؛
- بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص؛
- دروغ گفتن در محکمه و بی احترامی به محکمه؛
- بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب و یا ترجیحات جنسی؛
- تخلف از حق طبع و نشر آثار علمی و هنری (کاپی رایب)، علایم تجارتي و افشای اسرار تجارتي؛
- افشای اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه؛
- دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛
- "جنگ لفظی" که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند؛
- بیانات فتنه جوینانه، خانناهنه و تشویق دهشت افگنی؛
- آلودگی صدا؛
- کفر گوئی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر عقیده ی مذهبی یک شخص؛
- وقاحت و بی احترامی به مقدسات و انتشار صور قبیحه؛
- نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در انترنت.

البته این محدودیت ها منحصر به موضوعات ذکر شده نبوده و هم رعایت آنها از طرف تمام کشور ها التزامی نیست. هر کشور نظر به قوانین خود و با رعایت ارزش های فرهنگی و قوانینی برای نشرات و آزادی های که خیر نگاران و یا نویسندگان با در نظر داشت اصول و موازینی که از آن یاد آوری گردید، وضع می کند و رعایت این قوانین را تحت نظر دارد.

در رابطه با نشرات بیرون مرزی افغانستان، چنین صلاحیت و مکلفیتی نه دولت افغانستان دارد و نه هم قوانین کشور های میزبان افغانها به دلایل مختلف و عدم آشنائی به زبان ها و تعقیب نشرات آزاد از جانب دولت ها، بنا به اصل ممانعت سانسور قبل از نشر رعایت میگردد، مگر این که شکایت رسمی از کدام نشریه ی بشود چنانچه در

روز های اخیر توقف حساب های بعضی کاربران در فیسبوک ها، چه افغانها و چه ملیت های دیگر، از طرف اداره ی فیسبوک به عمل آمد که نمونه های از این روش است.

پایان



برای مطالب دیگر جلیل غنی هروی روی عکس کلیک کنید

